

واکاوی تأثیر سبک باروک در معماری بریتانیا، نمونه موردی : کلیسای سنت پل لندن

فاطمه جمشیدی نظر^۱، محمد علی کاظم زاده رائف^۲، صبا میردریکوندی^۳

۱. کارشناس مهندسی معماری

۲. عضو هیأت علمی گروه مهندسی معماری موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان

۳. استاد مدعو گروه مهندسی معماری موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان

چکیده

در قرون جدید، سبک باروک از مهم ترین شیوه های معماری کلاسیک اروپا بود. با شکوه ترین بناهای این دوره با این سبک احداث شده که برخی از آن ها جزو شاهکارهای معماری جهان محسوب می گردند. در بریتانیا، سبک باروک در قرن ۱۷ میلادی نفوذ نمود و تا قرن ۱۸ میلادی از برجسته ترین سبک های مورد کاربرد بوده است. کلیسای سنت پل لندن از بناهای شاخص سبک باروک در انگلستان می باشد. که احداث آن تأثیر زیادی در گسترش این سبک در بریتانیا داشته است. در این نوشتار سعی شده ضمن بررسی کلی سبک باروک در اروپا، تأثیر آن در معماری سرزمین بریتانیا و به ویژه در کلیسای سنت پل لندن مورد تحلیل قرار گیرد. شیوه ی تحقیق این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی می باشد که گردآوری مطالب در آن با بهره مندی از منابع کتابخانه های علمی تخصصی معماری - شهرسازی و مطالعه وبسایت های علمی پژوهشی انجام گردیده است.

کلمات کلیدی: معماری کلاسیک، سبک باروک، معماری بریتانیا، کلیسا سنت پل لندن

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

۱- مقدمه

شاید به ندرت بتوان هنری یافت که به اندازه معماری با زندگی مردم پیوند داشته باشد. هنر معماری از بارزترین جلوه های فرهنگ هر قوم و هر دوره تاریخی و نمایشگر گویای فضای زیست آدمی است. این هنر در گذشته تابع اصول و ضوابط کمابیش معین و شناخته شده ای بود و پیوندی استوار و ناگسستنی با فرهنگ جامعه و الگوهای رفتاری داشت، به همین سبب سبک معماری هر دوره، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می شد و دگرگونی های معماری با دگرگونی هایی که در سایر عرصه های زندگی و هنر به وقوع می پیوست، متناسب بود. و هر سبک جدید معماری بر اصول، روش ها و سنت های سبک های پیشین استوار بود و بر این منوال بین سبک های گوناگون معماری رابطه ای چنان استوار وجود دارد که مرزبندی بین آن ها دشوار به نظر می رسد. [۱۷]

معماری عموماً در جهت پاسخگویی به مجموعه شرایط موجود در ذهن پرورنده (طراحی) و محقق ساختن آن تعریف می شود. این شرایط ممکن است ماهیتی صرفاً عملکردی را دارا بوده یا همچنین این امکان وجود دارد که در قالب درجات متنوع، انعکاسی از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشند. به هر حال، اینگونه فرض می کنیم. که مجموعه شرایط موجود (مسئله) کمتر از حد مطلوب بوده و شرایط جدید (راه حل) مورد نیاز است. بنابراین، آفرینش معماری، یک فرآیند حل مسئله با همان فرآیند طراحی می باشد. [۶]

باروک (به فرانسوی Baroque) : سبکی است در هنرهای معماری، نقاشی، موسیقی و مجسمه سازی که از اواخر سده ۱۶ (میلادی) در ایتالیا آغاز شد و تا اواخر سده ۱۸ (میلادی) در اروپا رواج داشت و سپس در آمریکای مرکزی و جنوبی مورد توجه قرار گرفت. آزادی در طراحی، شمار زیاد شکل ها و درآمیختگی آن ها از ویژگی های این سبک است. ریشه این کلمه احتمالاً واژه بازگو پرتغالی به معنی مروارید صیقل نیافته بوده است. گروهی نیز بر این عقیده اند که معنای این واژه، پوچ، زشت، مضحک و عوضی است. این واژه در آغاز برای تمسخر این شیوه استفاده می شد. زیرا منتقدان معتقد بودند هرگز نباید بنایی ساخت که از اصول و عناصر بناهای یونانی و رومیان پیروی نکند؛ بناهای کلاسیک باید بر این اصول ساخته شوند و انحراف از آن را «کژسلیفگی اسف انگیز» می دانستند. اما پس از آنکه این شیوه مورد توجه قرار گرفت، به معنای شکوهمند و پرتجمل استفاده شد. [۱]

سن سیمون (Simon-Saint) باروک را «خلق کارهای غیر متداول» تعریف کرد و این گرایش تمامی هنرها بویژه هنر مجسمه سازی، موزیک و معماری را تحت تأثیر قرار داد. لازم به ذکر است که باروک هرگز به عنوان یک «مکتب» مطرح نشد، بلکه یک «جریان» یا «گرایش» بود که در یک دوره با اهمیت دادن و ارزش گذاشتن به چندین ویژگی مشترک هنری و ادبی به وجود آمد و هنرمندان، نویسندگان و شعرا آن را تحت عنوان «سبک باروک» نامگذاری کردند. ترکیب کلاسیک، ساده و روشن است، هر بخش تشکیل دهنده استقلال خود را حفظ کرده و کیفیت ثابتی دارد و همچنین دارای مرز بندی مشخصی است. اما هنرمندان باروک مشتاق برای ورود به چندگانگی پدیده ها، سیالیت، پویایی و علاقه مند به گسترش در خارج از مرزهای خود هستند. [۲۰]

سؤال تحقیق: در معماری بریتانیا در قرون جدید، به چه میزان سبک باروک، نفوذ نموده است؟

۲- نگاهی به معماری بریتانیا در قرون جدید

۱-۲- ویژگی های معماری بریتانیا

معماری انگلستان از سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۳۰ از دوره های سبکی مشخصاً زمان بندی شده ی رنسانس، باروک و کوکو و نئوکلاسیسم، آنطور که در باقی کشور های قاره ی اروپا بود، نگذشت. تأخیر اولیه در ورود رنسانس، التقاطی گری قرن هفدهم و جریان نو پالادیو گرایی اوایل قرن هجدهم که خارج از دوره ی پیشرفت های کشور های دیگر قاره بود، و همچنین زودرسی احیاء گوتیک مرتبط ساختن سبک های معماری با دوره های مشخص را دشوار می سازد. به همین دلایل است که در اینجا نیز تقسیمات دوره ای بر اساس سلسله های متوالی خانواده ی سلطنتی حفظ شده است، هر چند که تغییرات سبکی اصلی با آن ها همپوشانی دارد: تئودوری، الیزابتی و ژاکوبی (۱۶۲۵-۱۵۰۵)؛ استوارتی، مشترک المنافی و بازگشت (۱۷۰۲-۱۶۲۵) جرجی (۱۸۳۰-۱۷۰۲)، شامل باروک، پالادیویی، نئوکلاسیک و معماری تماشایی. [۳]

۱-۲- تئودوری، الیزابتی و ژاکوبی

هنری هشتم (۴۷-۱۵۰۹) تلاش داشت تا مدل های ایتالیایی و فرانسوی را در بناهای درباری استفاده کند، اما عناصر رنسانسی بیشتر به عنوان جزئیات تزئینی روی ساخت های اواخر گوتیک به کار می رفت. معماری دوره سلطنت الیزابت (۱۶۰۳-۱۵۵۸) با ورود نقش مایه های رنسانسی در اندازه های گسترده روبرو شد، نقش مایه هایی که بدون استثناء از کتاب های معماری فرانسوی، ایتالیایی و فنلاندی گرفته بودند. از ستون ها برای مفصل بندی پنجره ها و به عنوان سر در در سبک های فرانسوی استفاده می شد. مهم ترین منابع منتشر شده کارهای سر لیو، دوسر سو و فیلیپر دو لورمه و پس از آن ها کارهای وندل دیتلر لین بود. دور قلاب ها و صور عجایب که از طریق کتاب الگوهای فنلاندی از فونتن بلو گرفته شده بود هم روی فضاهای خارجی و هم داخلی بناها تأثیر فراوان داشت. اما رابرت اسمیتسون (۱۶۱۴-۱۵۳۶) توانست از التقاطی گری ناهنجار معاصرانش فراتر رود تا پلان های خوش ساختاری طراحی کند که نشانگر یک کنترل کلی روی همه ی قسمتهای طراحی بود. به طور کلی، سابه ی بیرونی بناهای الیزابتی خط آسمان پر فراز و نشیبی از برج ها، سنتوری ها، دیواره ها، نرده ها، و لوله دود کش ها را به نمایش می گذارد: نماها با پنجره های بالا خانه ای و دوچشمی جان گرفته است. تأثیر آن مشابه تأثیر معماری قرن شانزدهم فرانسه است، اما گروه بندی ها منعطف تر و در عین حال خوش منظره تر است. در معماری ژاکوبی، عناصر تزئینی آلمانی و فنلاندی که به جای کپی برداری از کتاب ها، از صنعتگران مهاجر گرفته شده از عناصر فرانسوی و انگلیسی پیشی می گیرد. خانه های شهری دوره ی ژاکوبی عناصر متفاوت معماری الیزابتی را در یک سبک مشخص تر وحدت می بخشد، و اغلب از آجر با آذین سنگی، روی آن برجک و سنتوری فنلاندی استفاده می کند، ستون ها محدود به سر در بناست. [۳]

یکی از بهترین نمونه های معماری الیزابتی در انگلیس، خانه ی لانگ لیت در ویلتشر است که به وسیله ی سر جان تین وبا طراحی رابرت اسمیتسن (نماینده پیشرو معماری انگلیس در دوره ی حکومت الیزابت) ساخته شد. نکته ی شگفت انگیز در این بنا وقار و سنگینی سنجیده ی حجم ها، درخشندگی، و استفاده ی بی پیرایه از جزئیات است که از جمله در تناسبات میان فضاهای پر و خالی نمود می یابد و این بنا را کاملاً از خانه های فنوئالی دژ مانند متمایز می سازد. استفاده از پنجره های پیش آمده که در معماری انگلیسی امری رایج بود، برای ایجاد توازن با بریدگی های عمودی موجود در ضرب آهنگ افقی ساخت تیرپوش، بسیار مناسب و بجاست و به ایجاد سطوحی با ترکیب بندی مشبک می انجامد. [۵]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

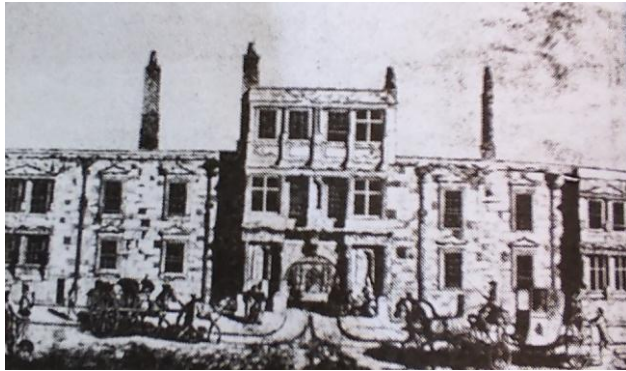
انقلاب بزرگی که اینیگو جونز (۱۶۵۲-۱۵۷۳) در معماری انگلستان کرد در سال های آخر سلطنت جیمز اول (۲۵-۱۶۰۳) آغاز شد. [۳] انقلاب ایجاد شده در معماری انگلستان توسط اینیگو جونز نه فقط به خاطر تغییر سبک بلکه به دلیل تغییر در جایگاه فکری و اجتماعی طراح ساختمان نیز اهمیت داشت. بنابراین گفتن این که یک حامی مشخص، خانه خاصی را با کمک نقشه بردار یا بنای مشخصی می ساخت اغلب برداشتی اشتباهی ایجاد می کرد زیرا به طور روز افزون می توانیم و در واقع باید هر ساختمان عمده را با توجه به نام معمار آن معتبر بشماریم. معمار اینک اغلب فردی با فکری اصلاح شده است که ممکن است تحصیل و در اروپا سفر کرده باشد و می تواند در شرایطی برابر با حامی خود زندگی کند و همچنین اغلب از موهبت های هنری برخوردار است که وی را قادر به طراحی و ترسیم روان افکار معمارانه خود بر روی کاغذ می کند. جونز نظر به برخورداری از تمام این ویژگی ها از اخلاف و همچنین معاصران خود به وضوح برجسته تر است. در سال ۱۶۰۵ بود که اولین طرح های معماری ثبت شده خود را خلق کرد که برای نیو اکسچینج در خیابان استرندو تکمیل برج مرکزی ساختمان قدیمی کلیسای جامع سنت پل بود که منار هرمی خود را از دست داده بود. [۴]

جدایی انگلستان از کلیسای کاتولیک رومی و فرهنگ اروپایی مربوط به آن بر هنر و معماری و همچنین نوع و وسعت حمایت هنری قابل دسترس در آن تاثیر بازگشت ناپذیری گذاشت. به این شکل انگلستان پس از جدایی از رم، در زمان هنری هشتم از حمایت کمتری در حوزه معماری برخوردار شد و این حمایت در دوران الیزابت کاهش بیشتری یافت و در زمان کلیسای آنجلیکن در عمل متوقف گردید. این جدایی، در حوزه معماری به این معنا بود که از این به بعد انگلستان باید دانش رنسانس ایتالیایی را تنها به صورت غیر مستقیم از طریق منابع اروپای شمالی دریافت کند که (خود شمالی ها) مایل بودند از زیبایی و خلوص نمونه های اصلی ایتالیایی برخوردار نباشند. شرایط درست تا حدود آغاز اصلاحات تفاوت بسیاری داشت و رنسانس تاثیر خود را برای هنری هشتم به برجسته ترین و پیچیده ترین شکل در قالب دو اثر گذاشته بود. این دو مکان عبارتند از مقبره هنری هفتم والیزابت یورک در نیایشگاه هنری هفتم در وست مینستر ای و مورد دیگر صفحه حائل نیایشگاه کینگز کالج واقع در کمبریج. [۴]

پیترو توريجانو (۱۴۷۲-۱۵۲۸ م) پیکر تراش فلورانس در خلال سال های ۱۵۱۸-۱۵۱۲ م. بر روی مرمر سیاه و سفید مقبره پیکر های برنزی زر اندود حکاکی کرد. صفحه حائل نیایشگاه کینگز کالج که از جنس بلوط بوده و به سال های ۱۵۳۶-۱۵۳۳ م تعلق دارد باشکوه بوده و با این حال با ظرافت تراشیده شده. در ضمن تابوت مرمرین سیاه براق این مقبره که در طول سال های ۱۵۲۹-۱۵۲۴ م. تراشیده شده و امروزه در سرداب کلیسای جامع سنت پل قابل مشاهده است در سال ۱۸۰۹ م. با مقبره نلسون ترکیب شد. سرریچارد وستون یکی از درباریان مهم هنری هشتم در اوایل دهه ۲۰ قرن ۱۶ م. ساتن پلیس را در ساری بنا نمود که این خانه به صفحه های کوچک تزئینات ایتالیایی زیبا از جنس قالب های سفالی مزین گردیده بود که این ماده توسط توريجانو به انگلستان وارد شده بود. این خانه آجری یک حیاط دارد که از یک دروازه به آن وارد می شوند که اینک ویران شده و دارای نقش های انگلیسی سنتی می باشد اما محیط تالار به طور آگاهانه به شیوه ایتالیایی یا فرانسوی، متقارن بوده به گونه ای که برای ورود به تالار بزرگ نه از راهروی جانبی مرسوم بلکه از وسط و به گونه ای به نسبت نامرسوم اقدام می شود. کاخ خود هنری هشتم به نام نانساج که ساخت آن از سال ۱۵۸۳ م. آغاز و در دهه ۸۰ قرن ۱۷ م. تخریب شد به خاطر نمای خارق العاده اش در افق و گچ بری تزئینی ماهرانه خود معروف است که از کاخ های فرانسوای اول در شانبور ودر فونتن بلو الهام گرفته شد که روسو و پریماتیچو دو منیرست ایتالیایی از حدود سال ۱۵۳۰ م. بر روی آن ها کار می کردند. پس از مرگ هنری در سال ۱۵۴۷ م. انگلستان به مدت دو سال توسط لرد پروتکتر سامرست اداره شد که با توجه به خانه اش در خیابان استرند لندن، در زمینه معماری در مقایسه با پادشاه حامی فهمیده تری بود. سامرست هاوس قدیمی یا حداقل نمای آن

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

در خیابان استرند که از سال ۱۵۴۷ الی ۱۵۵۲ م. ساخته و در قرن ۱۸ تخریب شد اولین ساختمان کلاسیک در انگلستان به شمار می رفت. [۴]



تصویر ۱: برلی هاوس، نورثامبرلند؛ حیاط وبرج [۴] تصویر ۲: سامرست هاوس قدیمی، لندن؛ نمای جلوی خانه [۴]

۲-۱-۲. استوارتی، مشترک المنافعی و بازگشت

بناهای ساخت جونز برای جیمز و چارلز اول (۴۹-۱۶۲۵) و همسران آن ها سبکی کلاسیک را که بر اساس شکل های هندسی صرف، نسبت های باهم مرتبط، و استفاده ویتروویوسی از شکل های صحیح وزبان نمادین سبک ها بود وارد معماری انگلستان کرد. منابع جونز عبارت بود از دو سفر او به ایتالیا و مجموعه ی کاملی که از نقاشی ها و کتاب های معماری داشت که بیشتر متعلق به پالادیو واسکا موزی بود: او از استفاده شهوانی از تزئینات ترکیبی، که میکلا آنتز باب کرده بود، دوری می گزید، و تنها برای فضاهای داخلی که به نمایش گذاشتن تاثیر های معماری فرانسوی مجاز بود از آن استفاده می کرد. بیشتر بناهای دوره ی ۱۶۶۰-۱۶۲۰ چندان پاسخی به ابداعات جونز و معاصران او نشان نمی داد. خارج از مجامع درباری «سبک استاد کاری» در بناهای شهری شایع شد که از مشخصات آن لچکی های هلندی با حلزونی های خمیده و بام های سنتوری دار، رخاب های سنگین، بام های چهار بر بود. استفاده از آجر و پنجره های قاب چوبی را هم از هلند وام گرفته بودند. [۳]

در دوره ی بازگشت یکی از بزرگترین معماران انگلستان، سر کریستوفر رن (۱۷۲۳-۱۶۳۲) مشغول به کار بود. گزینه های کاری رن منطقی و هندسی و در نتیجه همدل با سنت جونز و وب بود، اما او همچنین تحت تأثیر زیبایی شناسی نسبی گرای هوپز و پرولت قرار داشت. او از معماری فرانسوی نیز در سفری که در سال ۱۶۶۵ به پاریس کرده بود تأثیر فراوان گرفته بود و معماری اواخر دوران حرفه ای اش تأثیر روز افزون باروک را بر خود نشان می دهد. بناهای اولیه ی رن شبیه به سبک ساده هلندی هیو می (۱۶۲۲-۸۴) است و ستون نماهای عظیم و قوس هایی برای مفصل بندی نما در آن دیده می شود. تخریب هایی که در اثر آتش سوزی بزرگ لندن ایجاد شد فرصت های غیر منتظره ای برای ساخت بناهای مذهبی در بازسازی کلیسای سنت پل و کلیساهای شهر در اختیار او قرار داد. او برای این کلیساهای انواع متنوعی از پلان تدارک دید و از پلان چلیپایی یونانی، چند ضلعی، مستطیل های ساده، و باسیلیکاهای گالری مانند استفاده کرد. طاق بندی ها نیز متفاوت بود و از پیچیده ترین آن ها در سنت استفن والبروک بود. احتمال دارد که کلیساهای شهر رن تحت تأثیر معماری کلیسای دو کیسر و فن کمپن در آمستردام باشد. مراحل بعدی ساخت کلیسای سنت پل و سر مناره های کلیساهای شهر تجربه اندوزی بزرگتری با جلوه های سه بعدی و خمیدگی های پیچیده را نشان می دهد که رن را به سبک باروک نزدیک تر کرد. اما او هرگز علاقه ی زیادی به نماهای خمیده و جزئیات خیالپردازانه باروک قاره ای نشان نداد و تا آخر منطقی و تجربه گرا باقی ماند. سبک رن نه تنها از طریق افراد جمع او،

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

مانند همکار و دستیار قابل اعتمادش در اجتماع سلطنتی، رابرت هوک (۱۷۰۳-۱۶۳۵)، بلکه از طریق سنگ تراشان و نجاران که سبک هلندی آجر قرمز و سنگ گوشه ای مرتبط با دوره ی بازگشت را اشاعه می دادند، نیز در همه جای کشور باب شد. [۳]

۲-۲- گوتیک متأخر بین المللی

در بریتانیا با وجود، با وجود بحران شرایط اقتصادی و بی ثباتی جدی، سیاست های معماری ادوارد چهارم و ریچارد سوم به گونه ای طراحی شده بود تا تصویر برازنده و شکوهمندی از حکومت آنان به نمایش بگذارد. از این رو، در نیمه سده پانزدهم، معماری انگلیسی توجه همیشگی خود به عناصر تزئینی را (که از زمان افول گوتیک، به شکل مستقلی دنبال می شد) افزایش داد و به آثار نوآورانه رسید که برای ایفای نقش های فرمال و کاربردی معینی طراحی شده بودند. بناهای ساخته شده با حمایت اعضای سلسله یورک، هم به واسطه شکوه و عظمتشان قابل توجه بودند و هم به علت استفاده ی پیگیر و مداوم از نقوش مبتنی بر نشان های خانوادگی. وجه اساسی گوتیک متأخر انگلیسی استفاده از طاق بادبزی بود که از دیرباز در معماری انگلیسی به کار می رفت، ولی در این زمان به شکلی زیباتر و پیشرفته تر و به همراه سایر اجزای طاق آویز مورد استفاده قرار می گرفت و جلوه های فضایی آن، به ردیف شاخه های جنگل یا استالاکتیک های درون غار شباهت پیدا می کرد. [۵]

پیشرفت های عظیمی که در طول سده های پانزدهم و شانزدهم میلادی در معماری کلیسایی رخ داد، با رویدادهای معماری غیر مذهبی هماهنگ بود و این عرصه نیز در همان سال ها با رونق و شکوفایی همراه بود. فصل پر بار گوتیک متأخر انگلیسی در اوایل سده ی شانزدهم میلادی به پایان رسید. جنبه هایی از کلاسیسیسم به واسطه ی نمودهای مترقی معماری رنسانس متأخر ایتالیا و فرانسه، رفته رفته به انگلیس راه پیدا کرد و در ترکیب با سنت های انگلیسی یا به عنوان جایگزینی برای آن ها مورد استفاده قرار گرفت. انگلیس به طور کلی از گرایش های رنسانس بر کنار ماند و در دوره ی کشمکش هنری هشتم با در دهه ۱۵۳۰، آثار «ایتالیایی مآب» ممنوع اعلام شد. آثار برجسته ی معماری این زمان، عمدتاً مربوط به رنسانس فلاندری و فرانسوی بودند که مضمون هایشان با گوتیک قائم پیوند می خورد و به پیدایش سبک های الیزابتی و سپس ژاکوبی منجر شد. ثبات سیاسی دوره ی تیودور ها این امکان را فراهم آورد تا بیش از ماهیت دفاعی بناها، بر آسایش و رفاه موجود در آن ها تأکید شود. سیاست های این خاندان و انزوای اهل کلیسا موجب رشد طبقه ی جدیدی از اشراف شد که دارایی خود را صرف ساخت بناهای جدید و بسیار درخشان می کردند. این دوره از نظر معماری شاهد آغاز نوعی سبک ملی بود که با مبانی فکری معماری کلاسیک بیگانه نبود، ولی از منابع دست دوم، مانند دوریس یا دیترلین (با وجود محبوبیت سریوی ایتالیایی) تأثیر می پذیرفت. تأثیر معماری ایتالیایی ابتدا در استفاده از فرم های تزئینی (اغلب به صورت تقلید کور کورانه)، و سال ها پیش از دستیابی به هر گونه درکی از اصول سازه ای درونی، مشاهده می شد. [۵]



تصویر ۳ و ۴: کینگز کالج لندن (ezapply.ir)

۳- سبک باروک در اروپا

باروک به معنای شیوه ای از نقاشی و سبکی از معماری و پدیده ای فرهنگی است که توانمندی زبان گویای خود را در هنرهای نفیس یافته است. باروک بیش از هر چیز هنری دیداری است. باروک چیز پیچیده ای است که پیچیدگی اش بر غنای آن می افزاید. باروک هنر جنبش ضد-تجدد دینی است. هنرمندان در دوره ی باروک با احساس خود حرکت می کردند و احساس را مقدم بر عقل می دانستند. در سده ی هفدهم ایتالیا، به لحاظ سیاسی تجزیه شد و در تابعیت خاندان هابزبورگ اسپانیا درآمد. اما دستگاه پاپ به سبب نهضت ضد اصلاح دینی دوباره قوت گرفت و هنرها را مورد حمایت وسیع قرار داد. بدین سان، ایتالیا، دستاوردهای رنسانس را به خدمت نوعی زیبایی شناسی تجملی و توهم درآورد. معماری و مجسمه سازی و دیوار نگاری درهم ادغام شدند تا شکل های گسترش یافته در فضای واقعی یا مجازی را به نمایش گذارند. به مدد ژرف نمایی چشم فریب، در نقاشی های روی سقف فضای داخلی بنا به فضای تخیلی آسمان پیوست. با گسترش حرکت پیکرها به فضای پیرامون، مفهوم مجسمه سازی رنسانس تغییر یافت. از اواخر سده هفدهم به بعد، سنت و نیزی نور و رنگ در دیوار نگاری تزئینی به کار گرفته شد. نقاشی با معماری و تزئینات کاملاً مناسب بود، و همین نکته نیز موجب فعالیت بین المللی او شد. [۷]

معماری باروک به دو دلیل عمده از قرن هفدهم ایتالیا آغاز شد:

(۱) اکثریت این ساختمان ها ساخته شده بودند و در این زمان ساختمان سازی از طرف دستگاه پاپ به مراتب زیاد تر از دوره رنسانس بود.

(۲) سبک باروک در معماری، در اصل ادامه منطقی معماری قرن شانزدهم رم بود و این را از موارد زیر می توان استنباط کرد.

انتقال به معماری باستان، از طریق معماری رنسانس پیشرفته و از طرف معمارانی چون برامانته و رافائل، قبل از سال ۱۵۵۰ میلادی و بخصوص بین سال های ۱۵۵۰-۱۵۶۰، به وسیله ی میکال آنژ، و تفسیر کارهای آن ها به وسیله ی معماران جوان مانند دلاپورتا بود. جوهره ی کار میکال آنژ تلفیق مجسمه سازی و معماری بود. تحرک و پویایی معماری باروک در مجسمه های میکال آنژ و طرح های او کاملاً نمایان است. شیوه ی رویارویی باروک وار با زندگی در ادبیات، موسیقی و همچنین معماری و نقاشی، بیانی فصیح یافت. در تمام این هنرها، شیوه ی باروک به آشکارترین صورت، تمایل قدرتمندی برای القای حس حرکت و علاقه به ریزه کاری تزئینی نمود یافت. در سرزمین هایی که سبک باروک تأثیرات انکارناپذیری بر جای نهاده است، آن را بسیار با ارزش به حساب می آورند و نفیس ترین فرآورده های هنر و ادبیات قرن هفدهم را بدون هرگونه توضیح اضافی، فقط با کلمه باروک توصیف می کنند. در ایتالیا، اسپانیا و آمریکای لاتین و نیز در اتریش و آلمان، غالباً چنین است. اما در انگلستان و فرانسه بی میلی عمیقاً ریشه دار و قابل درکی برای پذیرش این اصطلاح وجود دارد. در واقع تمام کشورهای دارای سنن قدرتمند پروتستانی، همچون انگلستان و ایالات متحده، باروک را نوعی پدیده کاتولیک رومی و چیزی بیگانه با فرهنگ خویش به حساب می آورند. اما مورد فرانسه، پیچیدگی مسئله را آشکارتر نشان می دهد، زیرا دوران باروک همزمان با چیزی است که فرانسویان با افتخاری برحق «دوران کلاسیک» خود می نامند و آن را به درست یا نادرست آنتی تز باروک برشمارند. [۷]

جووانی لورنتسو برنینی در سال ۱۵۸۹ در ناپل به دنیا آمد. او پسر پیترو پیکره ساز شیوه گرای اهل توسکانا بود و در نوجوانی کار روی مرمر را از پدر آموخت. او همچون مادر نو بهترین جنبه ی معماری باروک آغازین را در رم به نمایش درآورد و در نهایت باروک پیشرفته هم وجودش را مدیون برنینی است. از طرح های باروک می توان به این نتیجه رسید که معماری آن نمی تواند حقیقتاً قبل از سال ۱۶۰۰ میلادی شروع شده باشد. زمانی که کارلو مادر (نوماسازی او در سنت پیترو یک شکست

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

بود)، سر در کلیسایی خیلی کوچک به نام سانتاسوزانا را در رم طراحی کرد. این اثر تمامی قابلیت های یک ساختمان توسعه یافته ی باروک را دارا بود. در این بنا، فکر و عقیده شکلی نسبتاً ساده و به طور واضح و شفاف، با بهترین توان بیان شده است. جلوه گری ستون ها، ستون های چهارگوش، سنتوری ها وکنده کاری ها به اوج رسیده است. این کیفیت پایداری در خاطر او، نشانه ی تمام کارهای بعدی باروک است؛ گرچه ممکن است کاستی هایی هم در جزئیات مشاهده شود. برنینی، خود نمونه بارزی به شمار می آید، چرا که او هنر مجسمه سازی و معماری را درهم آمیخت. [۷]

۳-۱- معماری:

بسیاری بر این عقیده اند که معماری باروک از ایتالیا آغازگردید، و بخش بزرگی از اروپا را زیر پوشش و گستره ی خود در آورد. این معماری پویایی خاصی دارد. از ویژگی های معماری و هنر های دیگر حفظ تعادل و وحدت آفرینی در میان عناصری متراکم و گوناگون است. معماری باروک با مایه گرفتن از انسان گرایی، بساط «شیوه گری» را برچید و در مقابله با خود با ضوابط کلاسیک حق الویت را از عقل گرفت و به احساس سپرد. در معماری باروک ماهیت اصلی آفریده ها عبارتند از: ایجاد هماهنگی و هنجار در میان عناصر و مضامینی گوناگون و در هم آمیخته، طرحی فراخ و در مقاس بزرگ در فضای شکوهمند ابهت انگیز، و از طرفی هدف اصلی باروک تعبیه فضایی کلی در مرکز و منظم کردن فضاهای فرعی و نمای ورودی واصلی بنا را سر انجام به خدمت گرفتن عناصر اصلی پیکر تراشی و نقاشی و سایر هنرهای تزئینی برای ایجاد اثری کامل. معماری باروک دارای صلابت ساختمانی و جسامت و ابهتی خاص خود بود، که بعد ها شیوه ی «روکوکو» از آن ها کاست و بر خاصیت سبکی، ریز نقشی و شادی انگیزی و زینت تزئینی سطحی می افزود و عدم تقارن در تزئینات را پیشه کرد. [۶]

۳-۲- جهان بینی و خصوصیات سبک باروک

بی ثباتی دنیا: یکی از اساسی ترین تفکرات باروک این است که شناخت و دانش بشر از جهان پیرامون خود کامل و صد در صد نیست، چون دنیا بی وقفه در حال تحول، دگرگونی و بازسازی است و هیچ چیز ثابت و قطعی نیست. به عنوان مثال، این تغییر و تحول در طبیعت کاملاً محسوس است. توالی فصل ها، نشانه هایی ملموس از این تغییر شکل بی وقفه دنیا است

انسان آزاد: انسان محکوم به سرنوشت نیست، بلکه حاکم بر تقدیر خود است، چون این دنیا ثابت و بدون تغییر و تحول و قوانین حاکم بر آن نیز قطعی و غیر قابل نقض نیست، بودن انسان در چنین شرایطی، آزادی عمل، قدرت انتخاب و توانایی تصمیم گیری با تمام آگاهی را برای او به دنبال دارد.

نپذیرفتن چیزی بطور قطعی و مسلم: باروک به واقعیت های قطعی و صد درصد ایمان ندارد، بلکه عقیده دارد که همه چیز در ظاهر نمودار می شود. باروک به آنچه که در ظاهر وجود دارد اهمیت می دهد نه به آنچه که واقعاً هست.

واقعیت و توهم: پیروان سبک باروک معتقد هستند که بین حقیقت و خیال، ظاهر و باطن مرز مشخصی وجود ندارد و کاملاً از هم قابل تفکیک نیستند. شاید آنچه را که خیالی می دانیم، عین واقعیت باشد و شاید هم برعکس، تمام واقعیت های ذهنی ما همه خیالی بیش نباشد.

دنیا صحنه نمایش است: زندگی تئاتری توأم با خواب و بیداری، عشق و عقل، جنون و شیفتگی، خیال و حقیقت است. انسان باید در این صحنه زندگی بانقابی بر چهره نقش بازی کند یعنی باید بازیگر صحنه زندگی خود باشد. و بازیگر این صحنه، انسان، باید با گذاشتن نقاب، واقعیت را پنهان کند که این کتمان و بازیگری نوعی خودسازی است زیرا با تظاهر به خوب و شریف بودن، واقعاً می توان خوب و شریف شد.

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

باید مدرن بود: در عصر باروک دیگر از قدما تقلید و پیروی نمی شود، بلکه بیشتر به دنبال چیزهای نو و جدید و خلاف روال معمول هستند .

مخاطبان متمدن: مخاطبان باروک مردمان با فرهنگ و متمدن هستند ولی الزاماً دانشمند و فاضل نیستند.

افراط: هنرمندان سبک باروک در خلق آثار خود گاهی زیاده روی می کنند و از نظر آنان هر افراطی به نام «آزادی خالق» مجاز است.

قالب های ادبی و هنری: سبک باروک در همه هنرها مانند: نقاشی، معماری، سینما، موسیقی، تئاتر، شعر و هنرهای تجسمی راه پیدا کرد. [۸]

۳-۳- ماهیت اصلی آفریده ها در معماری باروک:

ایجاد هماهنگی و هنجار در میان عناصر و مضامینی گوناگون و درهم آمیخته، نشان متمایز باروک، نحوه فکری و احساسی آن است. آنچه که سیمای باروک را مشخص میکند، بسط نوعی جهان بینی مخصوص است که در معماری خود را در قدرتی نو نشان می دهد. قدرتی که فضاهای مختلف را با هم می آمیزد و وحدتی شگفت انگیز از ترکیب اجزایی متفاوت بوجود می آورد. لازم به ذکر است این نوع نگرش در تمامی رشته ها تا از هم گسیختگی ناشی از عصر صنعت باقی ماند. طراحی فراخ و در مقیاس بزرگ در فضایی شکوه مند و ابهت انگیز- تعبیه فضای کلی در مرکز و منظم کردن سایر فضاها به سمت آن -به خدمت گرفتن عناصر اصلی پیکر تراشی و نقاشی و سایر هنرهای تزئینی برای ایجاد اثری کامل. [۸]

۳-۴- ویژگی های معماری باروک :

- سیالیت فضا، پیوند حرکت به معماری، نامتوازی، نور و رنگ، ژرف نمایی و پویایی در مقابل ایستایی معماری رنسانس.
- معماری باروک با مایه گرفتن از انسان گرایی، بساط شیوه گری منریسم را برچید و در رویارویی با ضوابط کلاسیک پیش بینی فضایی کلی در مرکز، منظم کردن فضایی فرعی و نمای ورودی و سرانجام به خدمت گرفتن عناصر پیکر شناسی و نقاشی و سایر هنرهای تزئینی برای ایجاد اثری کامل می باشد.
- حق اولویت را از عقل گرفت و به احساس سپرد. در این شیوه ی معماری، با ایجاد هماهنگی و هنجار در میان عناصر و مفاهیمی گوناگون، در هم آمیخته گری شکوه مندی در فضای کلان ارائه می دهد.
- جایگزینی پرسپکتیوهای نامحدود به جای پرسپکتیوهای مرکزی. [۹]

۳-۵- تأثیر سبک باروک بر شهرسازی کشورهای مختلف :

ایده های باروک بر پلان خیابان ها و حومه برخی از شهرها تأثیر گذاشت. در فراسکاتی در خارج از رم؛ در ورسای در خارج از پاریس؛ در پوتسدام خارج برلین؛ در همپتون در خارج از لندن؛ در پترهوف خارج از سنت پترزبورگ. دوره اولیه باروک در ایتالیا اتفاق افتاد، اوج این دوره در فرانسه و دوره متاخر آن در سراسر اروپا با لجه های مختلف به وجود آمد. همچنین این سبک تأثیر زیادی بر شهرهای سرمایه دار مثل رم، پاریس، برلین و واشنگتن دی سی و همچنین استراحتگاه هایی مثل ورسای، پوتسدام، سن پترزبورگ و آرانجوز گذاشت. [۱۰]

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست



تصویر ۶: میدان سن پیتر واتیکان (eavar.com)



تصویر ۵: سان کارلو اله کواترو فونتانه، رم (eavar.com)

۳-۶- باروک اولیه

در ایتالیا دوره ای اتفاق افتاد که تمرکز تجارت جهانی از اقیانوس مدیترانه به اقیانوس اطلس انتقال یافت و بازدید کنندگان از سراسر دنیا هم به واسطه وجود بناهای دوره رم باستان به آنجا می آمدند و هم پروژه های جدید دوره باروک که پیشرو آن ها کلیسای سن پیتر بود که توسط مادرو و برنینی ساخته شد. این کلیسا شامل میدان بزرگی با ستون هایی در اطراف آن بود. باغ های دوره باروک با توجه به شکل گیری اشرافیت به شکل ویلا پارک و فضاهای مستقل در منظر و جدا از مناظر کشاورزی ساخته شدند. ویلا آلدو براندینی ۱۵۹۸م توسط دالپورتا- مادونا- فونتانا ساخته شده است. صحنه آرایبی حول یک محور اصلی سازمان یافته و ترکیب منظر طبیعی با معماری و فضاهای متضادی که مکمل یکدیگرند از ویژگی های این باغ است. ویلا گامبریا در سال ۱۶۱۰م ساخته شده است. در آن ترکیب معماری با محیط طبیعی تجلی باغ به صورت صحنه تئاتر دیده می شود. ویلاگازونی در سال ۱۶۵۰م ساخته شده است. فضای نمایشی باروک در این باغ به حد کمال رسیده است. باغ به صورت یک صحنه تئاتر شکل گرفته و سه تراس ویلا حول یک محور طولی و نظم آن در قسمت فوقانی در جنگل های انبوه محو شده است. [۱۰]

۳-۷- باروک متأخر در ایتالیا

باروک که ریشه در ایتالیا داشت، در فرانسه توسعه یافت و به سرتاسر اروپا گسترش یافت دوباره به خاستگاه خود بازگشت. این سبک تأثیراتی بر زمین های مسطح شمال ایتالیا مانند مونزا داشت. عظیم ترین ورسای ایتالیا در کاسترا در سال ۱۷۵۲ توسط یک شاهزاده بوربون، چارلز سوم، که جوانی خود را در الگرانجا گذرانده بود بنا گردید. بزرگترین آبشار در اروپا که از قصر سرچشمه گرفته و در کانال وسیعی به طول ۳ کیلومتر ادامه میافتد در این باغ ساخته شد. همانطور که از باروک متأخر انتظار می رود، این باغ بسیار پرابهت بود، گرچه فاقد حس تناسبی بود که در بهترین باغ های ایتالیا و فرانسه در گذشته وجود داشت. [۱۱]

۳-۸- باروک در فرانسه

نخستین بناهایی که در فرانسه بقایای سنت گوتیک را کنار نهادند، از سبک هنری ایتالیا استفاده کردند. که موجب تولد باروک در فرانسه گردید. سوربن که توسط "ژاک لومریسه" در ۱۶۳۵ آغاز شد. یکی از نخستین نمونه های این سبک ایتالیایی در فرانسه بود. تزئینات غنی و استادانه کلاسیک، فاصله گذاری متنوع سطح متشکل از ستون های متمرکز بر روی در ورودی مرکزی و قرار گرفتن یک گنبد جالب توجه بر بالای آن چوب بناهای شصت سال پیش رم نشانه هایی است از این تأثیر پذیری. [۱۲]

۳-۹- باروک در انگلستان

با آغاز گسترش دامنه نفوذ بریتانیا در قاره اروپا و آمریکا بویژه پس از بازگشت خاندان استوارت به سلطنت در قرن هفدهم، نیاز به ایجاد کاخ‌های پرشکوه در امالک وسیع مطرح گردید. باروک در انگلستان با ایجاد بناهایی چون تالار «ضیافت وایت‌هال» به طراحی «اینگیوجونز» آغاز گردید. او تحت تأثیر معماری پالادیو قرار گرفته بود و شیوه تناسب بندی او را بکار گرفت. [۱۳] به طور کلی سبک هلندی در مقایسه با سبک فرانسوی موفقیت بیشتری در انگلستان پیدا کرد. سبک هلندی ساده تر و ارزان تر از سبک فرانسوی بوده و با آب و هوای انگلیس نیز تطابق بیشتری دارد. جز اصلی سبک فرانسوی، که خیابان‌های وسیع می باشد، با چاشنی انگلیسی به کار گرفته شد. خیابان‌های وسیع باغ‌های فرانسوی که مردم با کالسکه از آن‌ها عبور می کردند در باغ‌های انگلیسی تبدیل به مسیرهای چشم‌نوازی شد که مردم در آن قدم می زدند. در این دوره علاقه به گونه‌های گیاهی متنوع بیشتر شده و دانه‌ها و گونه‌های گیاهی از نقاط مختلف جهان به باغ‌ها اضافه شدند، گرچه سبک اصلی باغداری در قرن‌های بعدی تغییر زیادی نکرده و حتی امروزه نیز در نقاط مختلف بریتانیا دیده می شود. [۱۴]

۳-۱۰- باروک در هلند :

کشور هلند در دوره ای طلایی (۱۶۰۹-۱۷۱۳) کشوری بسیار ثروتمند و مستقل با مذهب پروتستان بود. با وجود جنگ‌های هلند با کشورهایی چون اسپانیا، انگلستان، فرانسه این کشور در هنر بسیار پیشرو بود. ویلیام سوم از سال ۱۶۷۲ و پادشاه انگلیس بین سال‌های ۱۶۸۸ تا ۱۷۰۲ نوعی از مطلق‌گرایی (ابسولوتیسم) را در اداره کشور و همچنین در طراحی باغ‌های باروک به اجرا گذاشتند. باغ‌هایی که او در هت لو در آپلدردن و همپتون در لندن احداث کرد سلیقه او را نشان می دهند. [۱۵] به عنوان یک ملت، هلندی‌ها هیچ دلیلی برای دوست داشتن لویی چهاردهم نداشتند؛ اما تأثیرات فرهنگی یک همسایه قدرتمند غیر قابل مقاومت بود. باغ‌های ویلیام و ماری در هت لوو به عنوان ورسای هلند معروف شدند در مقایسه با باغ‌های باروک باشکوه این باغ‌ها بیشتر سبک هلندی داشتند. در هر ایالت یک قصر وجود داشت که بیشتر از ورسای الگوبرداری می کرد. در آن زمان کشور آلمان بازسازی شد اما دچار فقر طراحان با تجربه بود. اغلب، شاهزادگان و اسقف‌های آلمانی از معماران ایتالیایی و طراحان باغ‌های فرانسوی استفاده می کردند. در این زمان، باروک به سبک روکوکو با خطوط منحنی و دکوراسیون غنی ارتقا یافت. روکوکو سبکی است که از پاریس در اوایل قرن هجدهم منشا می گیرد و تا حدی در واکنش به سنگینی عظمت ورسای است. سبک روکوکو در جنوب آلمان و اتریش محبوب بود. [۱۶]

۳-۱۱- شهر کارلسروهه

شهر کارلسروهه یک شهر باروک است؛ نه به این معنا که بناهای باروک دارد بلکه تمام تفکر باروک در مورد طبیعت فضاهای شهری و چگونگی شکل‌گیری آن را منعکس می کند. سازماندهی فرمال و دیدهای وسیع به سمت عناصر شاخص نشان دهنده تسلط کامل انسان بر طبیعت و قدرت برتر حاکمان است. کاخ‌ها، کلیساها و مونومان‌ها مثل مراکز قدرتی نقاط اصلی ساماندهی شهر به شمار می روند. بنای کاخ تقریباً همزمان با ساخت شهر در سال ۱۷۱۵ توسط کارل ویلهلم آغاز شد. پلان شعاعی و ایجاد مرکزیت در آن به خوبی دیده می شود و مرکزیت شعاع‌ها به ساختمان کاخ منتهی می گردد. از لحاظ دید و عمق بینهایت در مقایسه با ورسای کوچک تر بوده و میدان عمق کمتری دارد. اما تأثیر این نوع تفکر در این قصر نیز به خوبی مشهود است. محوطه جلوی قصر یک دید کامل از آن به ناظر ارائه می دهد. طراحی و ساخت این محوطه توسط کریستین ترون در میان سال‌های ۱۷۳۱-۴۶ به شیوه باروک فرانسه انجام پذیرفت. عناصر شاخص این محوطه تک درختان بزرگ، مجسمه‌هایی به شیوه از باروک تا مدرن، مونومان‌ها و فواره‌ها هستند. این باغ شش هزار الله، ششصد و نود سنبل و ششصد

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

میخک دارد که در همان زمان نقاشی های زیبایی از آن ها کشیده شده است. علاوه بر این فواره ها، چشمه ها، آلاچیق ها و غارهای منحصر به فرد این مجموعه توجه افراد را به خود جلب می کند. در کارلسروهه در جنوب غربی آلمان، ایده خیابان های منشعب شونده به گونه ای متفاوت از فرانسه و جاهای دیگر توسعه یافت. برج شکار به عنوان نقطه شروع انشعاب ۳۲ خیابان استفاده شده است. نمای ساختمان ها به عنوان نمای یکپارچه با پارتورها در اطراف طراحی شده اند. بعدها طرح باغ به طرح شهر تبدیل شد. طرح شاخص دیگری که برای قلعه وبلهلمشور در کاسل ساخته شد، و بیشتر از سبک ایتالیایی در مقایسه با سبک فرانسوی استفاده شده است، به کارگیری منظره زمخت می باشد. تنها نمای بالایی آن کامل شده است اما حتی این قسمت گسترده و چشمگیر است [۳].

۳-۱۲- باروک در اتریش

اتریش به عنوان مرکز امپراطوری رم مقدس از ساخت و ساز در قرن هفدهم به دلیل جنگ های ۳۰ ساله و تهدید های ترکیه به دور ماند. بعد از بازگشت صلح ساخت و ساز باغ ها شروع شد. بسیاری از باغ ها در حومه یا داخل شهرهایی چون وین، اتریش کوشک، شوارزنبورگ، لیختن اشتاین، اشلوس هوف و شونبرون ساخته شد. در آن زمان مجارستان بخشی از اتریش بود که باغ های باروک بسیار عالی در آن مخصوصا در Esterhazy ساخته شده اند. باغ Belvedere در حومه شهر وین با الگوبرداری از ورسای فرانسه و توسط طراح فرانسوی ساخته شده است. مقیاس آن بیشتر مشابه باغ های ایتالیایی است تا پارک فرانسوی. [۱۵] شونبرون، اقامتگاه تابستانی خانواده سلطنتی اتریش، یکی از زیباترین نمونه های کاخ های باروک در اروپاست. شونبرون نقش ورسای را در امپراتوری اتریش به عهده داشت؛ اما سلسله هابسبورگ ها با پادشاهان فرانسه متفاوت بود و نمی خواست خود را مانند بت جلوه دهد. به همین دلیل شونبرون هم به عنوان یک قصر و هم به عنوان اقامتگاه خانواده بزرگ حاکم ساخته شد. ساخت این قصر در سال ۱۶۹۶ آغاز شد. دوران طالایی این قصر در زمان ماریا ترزا ملکه اتریش (۱۷۱۷-۱۷۸۰) بود و همزمان با پایان حکومت هابسبورگ ها به پایان رسید. اما معمار مجموعه، نیکوالس فون پاکاسی، به کار خود در راستای طراحی ورودیه و تاکید بر معماری باروک مجموعه با اشاره هایی از روکوکو ادامه داد. در همین زمان پارک جلوی کاخ کامل شد و به شکل امروزش است درآمد. امروزه این کاخ به واسطه اهمیت تاریخی، موقعیت منحصر به فرد و مبلمان با شکوهش بخشی از میراث جهانی یونسکو است. از ویژگی های بسیار مشهود معماری باروک که در شونبرون بیشتر مشهود می باشد. تسلط بر عناصر طبیعی در عین ایجاد ارتباط بین عناصر طبیعی و مصنوع است. این امر از طریق پارتورهای هندسی و گلکاری های منظم و همچنین شکل دادن به درختچه ها حاصل شده است. [۸]



تصویر ۸: کلیسای زاکانتکاس، مکزیک (eavar.com)



تصویر ۷: کلیسای سنت چارلز، وین (eavar.com)

۴- تجزیه و تحلیل کالبدی کلیسای سنت پل لندن

کلیسای سنت پل یکی از شاخص ترین بناهای انگلستان در عصر باروک است، که توسط «کریستوفررن» طراحی شد. گنبد کلیسای مزبور بربنای عالی گسترده ای قرار دارد که با گنبد چنان مفصل بندی اندکی دارد، که شالوده ای استوانه ای را ضروری می سازد. این گنبد همانند بنایی است که با بنای دیگری یکی شده باشد و فقط به وسیله ی ظرافت سبک یافته ی ساقه ی گنبد و انحناى خود گنبد با آن تمایز می یابد. این گنبد بیشتر یک نماد است، تا یک تصور ذهنی از قدرت، و کار کردن آن صرفاً صوری است. در کلیسای سنت پل نقشه ی متقاطع (صلیب یونانی) دوره ی رنسانس با شبستان سنتی و محل استقرار سرایندهگان کُر کلیساهای گوتیک انگلستان به راحتی در هم آمیخته شده است. معماری باروک در کشورهایی مانند اسپانیا نیز به خوبی قابل مشاهده است. که بنا ی صومعه ی «سن لورنزدول» را می توان نام برد که از سادگی و شفافیت خاصی برخوردار است و اکثر بناهای اسپانیا بر اساس نقشه محوری ساخته شده اند و نوآوری ها محدود به تزئینات داخلی بود. [۶]



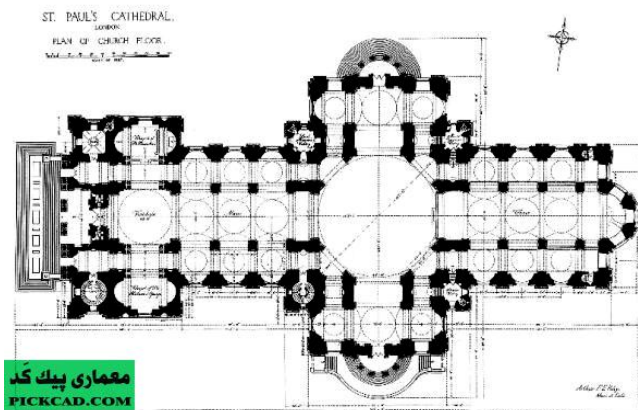
تصویر ۹: نمای کلیسای سنت پل (eavar.com) تصویر ۱۰: نمای داخلی کلیسای سنت پل (pickcad.com)

کلیسای جامع سنت پل که جزئی منحصر به فرد از طرح بازسازی لندن به وسیله رن بود، ترکیبی است از عناصر باروک (برج های نماهای ساختمان، تورفتگی ها، توهّم های پرسپکتیو) که در زمینه ای کلاسیک و تحت الشعاع گنبد بزرگ تعبیه شده اند. طرح اولیه رن که تاریخ ۱۶۳۷ را بر خود دارد و به زیبایی هر چه تمام تر در ماکت چوبی باقی ماده در خود کلیسا قابل مشاهده است، همگام با نوآوری هایی که او در کلیسای سنت استیون در والبروک (۱۶۷۲) آزموده بود، در پی ترکیب یک فضای مرکزی (که آشکارا از طرح میکلانجلو برای باسیلیکای سان پیترودر رم تأثیر پذیرفته بود) با فضاهای جناحی گنبد دار و کوچک تری بود که باید به صورت قطری قرار می گرفتند و کاملاً با مقتضیات سبک باروک مبنی بر لزوم یک پارچگی فضا همخوانی داشتند. ولی طرح میکلانجلو بسته و مرکز گرا بود، در حالی که رن به کمک دیوار های مقعر رابطه ای فعال میان مجموعه ی فضاهای بنا و محیط بیرونی برقرار کرد و از طریق سرسرای ورودی گنبد دار و رواق ورودی کلاسیک، یک محور طولی به وجود آورد. [۵]

ولی مقامات مذهبی لندن این طرح اولیه را رد کردند. طرح نهایی که در ۱۶۷۵ ارائه شد، عبارت است از ترکیب یک پلان صلیبی شکل کشیده با مرکز گنبد پوشی که بر فراز ساقه ی ستون بندی شده ی گنبد واقع شده و بسیار شبیه کلیسای سنت استیون است. شکوه و ماندگاری کلیسا هم در درون و هم در بیرون، نشانگر یکی از بزرگ ترین آفریده های معماری باروک انگلیس است که با هدف آشکار رقابت با باسیلیکای سان پیترو، نوآوری های مهمی را ارائه داده است. سازه ی نبوغ آمیز رن تمام مسائل شکلی و سازه ای را (از ظاهر کلی بنا گرفته تا ریز جزئیات آن) در طراحی سیال و هماهنگ حل کرده و به زیبایی در چشم انداز شهر لندن جلوه گر شده است. نمای غربی، رواق ورودی دو طبقه ای با ستون های دوتایی دارد که بر

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

فراز، آن کتیبه ی سه گوش کلاسیکی قرار گرفته است. برج های دو طرف بنا از طریق یک جفت جرز توکار با رواق هماهنگی پیدا می کنند. سازه هایی به سبک بورومینی که بالای برج ناقوس قرار گرفته اند، نابجا به نظر می رسند. گنبد کلاسیک غیر معمولی که آشکارا از پالادیو گرفته شده است، نمایانگر ایده های معماری انگلیس در آن زمان است؛ ستون بندی گرداگرد ساقه گنبد، با ویژگی های سایه روشن نیرومند خود، کاملاً متعلق به باروک است. در تقاطع گاه کلیسا مسئله ی پهنای غیر عادی شبستان مرکزی و دو گذرگاه جانبی، با استفاده ی ماهرانه از نوری حل می شود. که از پنجره های واقع در امتداد ساقه ی گنبد به درون می تابد و به فضا جلوه می دهد. [۵]



تصویر ۱۲: نمای شمالی کلیسای سنت پل (ealiya.com)



تصویر ۱۱: پلان کلیسای سنت پل (pickcad.com)

جمع بندی و نتیجه گیری

در قرون جدید که از سال ۱۴۵۳ تا ۱۷۸۹ میلادی می باشد، تحولاتی بسیار متنوع و کیفی در هنر و معماری اروپا بالاخص در اروپای غربی رخ داده است. سبک های رنسانس، منریسم، باروک و روکوکو مهم ترین تحولات هنری را در این دوره بوجود آورده اند. سبک باروک که یکی از مهم ترین سبک های دسته ی کلاسیک اروپا می باشد. در ایتالیا و فرانسه در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی رونق بسیار داشته است. این سبک در ایتالیا غالباً در اماکن دینی و در فرانسه در بناهای باشکوه ی اداری و سیاسی مورد استفاده بوده است. حوزه نفوذ این سبک را می توان از اروپای غربی تا شرقی و حتی سرزمین بسیار پهناور روسیه تزاری در نظر گرفت.

در بریتانیا نیز به تبع تحولات غرب اروپا، این سبک در بناهای مختلفی نظیر بناهای عبادی از جمله کلیسای سنت پل لندن مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود اینکه بریتانیا یکی از مراکز رشد و نمو سبک گوتیک در قرون میانه بود، همگام با تحولات اروپای قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی در جذب یکی از زیر شاخه های سبک رقیب گوتیک، سبک باروک نفوذ قابل توجهی در سرزمین بریتانیا منجمله در انگلستان داشت. در قرون جدید بناهای مهم زیادی با این سبک در بریتانیا احداث گردید که از شاخص ترین آن ها می توان به کلیسای سنت پل لندن اشاره نمود.

هجدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

جدول: ویژگی های کالبدی سبک باروک در کلیسای سنت پل لندن

ویژگی های کالبدی	نمادهای کلاسیک	التقاط گرایی	عظمت گرایی	تقارن در نما	پلان صلیب یونانی	رنگ طلایی در نماهای داخلی و بیرونی	کاربرد هندسه مدور و بیضی
کلیسای سنت پل لندن	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

منابع:

- [۱] استیران، هانری. ترجمه روزرخ، نادر. دائرة المعارف معماری جهان، انتشارات فرهنگیان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.
- [۲] بازین، جی - باروک و روکوکو، لندن، توماس و هادسون، ۱۹۶۴.
- [۳] فلچر، سرینیستر، معماری رنسانس و بعد از رنسانس، چاپ اول، تهران: نشر مقدس، ۱۳۸۹.
- [۴] واتکین، دیوید، تاریخ مختصر معماری انگلستان، چاپ اول، تهران: انتشارات مارلیک، ۱۳۹۲.
- [۵] گلکار، آبتین، هزار سال معماری جهان، چاپ دوم، تهران: نشر هنر و معماری قرن، ۱۳۹۲.
- [۶] مارک ام، فرانسیس دی. کی. چینگ، ویکرامادیتیا پراکش، یار تسومبک، مترجم: محمد رضا افضلی، تاریخ معماری جهان، چاپ اول، تهران: انتشارات یزدا، ۱۳۹۶.
- [۷] بانی مسعود، امیر، تاریخ معماری غرب، چاپ ششم، اصفهان: نشر خاک، ۱۳۹۲.
- [۸] محمدی، سمیرا، باغ های باروک، نشریه اینترنتی معماری منظر.
- [۹] ترنر، تام، تاریخ باغ - فلسفه و طراحی، نیویورک، ۲۰۰۵.
- [۱۰] آدام، رابرت، معماری کلاسیک، ترجمه: سلطان زاده، حسین، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ۱۳۳۱

[11] The scientific imagination and the Baroque garden • Michel Baridon

[12] Masson, G., Italian Gardens, London: Thames & Hudson, 1961.

[13] Wharton, E., Italian Villas and their Gardens, New York: The Century Co., 1904

[14] Woodbridge, K., Princely Gardens. The origins and development of the French formal style, London: Thames & Hudson, 1986

[15] Kip, J. and Knyff, J., Britannia Illustrata, or Views of several of the Queen's palaces, also of the principal seats of the nobility and gentry of Great Britain, 1707.

[16] The Baroque garden style • The English Garden magazine (available at: <http://www.theenglishgarden.co.uk/expert-advice/design@solutions/design-baroque-garden->

[17] The Story of Gardens in Europe: Source Text. Ed Bennist.